



مادران و فشارهای روانی کنکور

اگر از انتظارات اجتماعی تأثیر می‌پذیرید بر آن تأثیرگذار نیز باشید



دکتر مهتاب علی‌نژاد
جامعه‌شناس

با تمام دغدغه‌مندی‌های طاقت‌فرسا و اضطراب‌های پنهان و آشکار کروناهراسی، آزمون سراسری ورود به دانشگاه برای مقاطع کارشناسی بر گزار می‌شود. مادرانی در خانه دست به دعا برداشته‌اند، مادرانی روی چمن‌ها و نیمکت‌های محوطه بیرونی حوزه امتحانی فرزندان چشم‌انتظار پایان یافتن آزمون‌اند و مادرانی با اعتماد به نفس کامل از اینکه فرزندی پروازنده‌اند که تلاش کردن و معنا سازی را آموخته است، در خانه به کارهای روزمره خود مشغول شده‌اند و به طور منطقی به این می‌اندیشند که اگر چه کنکور در زندگی کنونی جامعه ایران به نوعی دروازه ورود به آینده سازی محسوب می‌شود، تنها راه معنادهی به زندگی نیست و فرزند آنان به اندازهای که تلاش کرده‌است به نتیجه دست خواهد یافت.

زندگی امروزه بیش از همیشه با اضطراب‌ها و فشارهای روانی مضاعف اجتماعی همراه است، به ویژه با توجه به شرایط اقتصادی پرنوسان و متلاطم جامعه ایرانی، مادران پیوسته با این دغدغه زندگی می‌کنند که فرزندان‌شان به گونه‌ای وارد بازار تحصیل و سپس اشتغال شوند که آینده‌ای تضمین‌شده داشته باشند. آینده تضمین‌شده برای

جغرافیای خاورمیانه پیوسته دستخوش ناپساامانی‌های مکرر بوده است. مطالعات زنان نیز بر این امر صحه می‌گذارد که زنان ایران در طول تاریخ شصت‌ساله اخیر به واسطه تجارب سبک زندگی‌های گره خورده با اضطراب ناشی از تغییرات اجتماعی و همچنین گذار ناگزیر زنان از سنت به مدرنیته که هم‌گام با گذار جامعه بوده است، به این باور رسیده‌اند که فرزندان آنان به‌ویژه اگر دختر هستند، باید از مسیر تحصیلات عالی به‌مقام و جایگاهی نسبتاً مستحکم در جامعه دست یابند تا بتوانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند. تا یک دهه گذشته که اشتغال از طریق تحصیلات میسر به نظر می‌رسید، بیشتر زنان ایرانی افق اندیشه‌ورزی خود در زمینه سبک زندگی و معنابخشی به هستی فرزندان‌شان را راه‌یافتن به دانشگاه و کسب دانش و مهارت تخصصی می‌دانستند و با دغدغه‌مندی در مسیر دستیابی به خواسته خود، فرزندان‌شان را به حوزه رقابت و شتاب در فراگیری سوق می‌دادند. این سبک از دغدغه‌مندی اگرچه در کوتاه‌مدت نتیجه‌مند به نظر می‌رسید، در بلندمدت اضطراب پنهان ناشی از رقابت و افزایش انتظارات اجتماعی را در زنان و فرزندان‌شان و به تبع آن سایر گروه‌های اجتماعی نهادینه کرد.

کدام خانواده را می‌شناسید که در صورت داشتن فرزند پسر یا دختر در سن دوره متوسطه دوم، درگیر اضطراب‌ها، خانه‌نشینی‌ها و محدود شدن‌ها به عملکرد فرزند کنکوری یا در آستانه کنکور نشده باشد؟! کدام زنان را می‌شناسید که تمام زندگی‌شان را به

مدت ۲ تا ۳ سال به طور مرتب و دائم وقف کنکور خوانی فرزندان خود نکرده‌اند؟! شاید این امر به نظر شما یک امر معمول و طبیعی به نظر برسد. شاید بگویید که با توجه به رقابتی بودن شدید فضای کنکور‌ها در چند سال اخیر، زنان ناگزیرند بیش از سایر اعضای خانواده برای تأمین امکانات یا همراهی در مسیر مشاوره و آماده‌سازی فضای خانه یا همراهی در استفاده از کتابخانه‌های ویژه محصلان که صرفاً برای خواندن کنکور در سطح شهر کاربری دارند گام بردارند و زندگی خود و خانواده را در راستای آرام‌سازی مسیر برای فرزند خود قرار دهند. بهتر است بگوییم اگر این‌گونه درباره انتظاری که جامعه از زنان در جایگاه مادری فرزندان کنکوری دارد می‌اندیشید، شما نیز در بازی سطحی و کم‌مقدار موفقیت‌ظاهری از منظر انتظارات اجتماعی گرفتار شده‌اید. آنچه امروزه انتظار جامعه از افراد قلمداد می‌شود که دانش‌آموز وظیفه‌اش درس خواندن است و مادران باید تمام هویت خود را در راستای هویت‌یابی فرزند در آینده غرق کنند، توسط تک‌تک افراد جامعه و نهادهای ذی‌نفع اجتماعی ساخته شده است. در اینکه از وظایف هویت‌زنان به‌عنوان مادر یکی این است که آرامش‌دهنده و همیار فرزندان در مسیر پرورش یافتن و به‌موقعیت‌رسیدن در جامعه باشند شک و نقدی نیست اما اینکه زنان چگونه در هویت‌یابی فرزند خود نقش داشته‌اند آن نکته پرورشی اجتماعی است که می‌خواهم شما را به اندیشیدن درباره آن دعوت کنم، همان نکته‌ای که امروزه به دلیل پیروی بی‌چون و چرای مادران از جو و

فضای اجتماعی طی دست‌کم یک دهه اخیر، به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده است: دختران و پسرانی که به دلیل موفق نشدن در کنکور و برآورده نکردن انتظارات خانواده از خودشان دست به خودکشی زده‌اند، پدرانی که زیر بار سنگین هزینه‌های مدارس و دوره‌های آمادگی کنکور خمیده شده‌اند، فرزندان که تمامی زندگی‌شان به خواندن و تست زدن و نتیجه کنکور خلاصه شده است. نقش زنان در کاستن یا افزودن به فشارهای روانی و اجتماعی دوران بلوغ فرزندان‌شان که مصادف با دوره آماده‌سازی برای کنکور است چه بوده است؟ از این مشاوره به آن مشاوره رفتن؟ ابراز نگرانی مقابل خانواده و فامیل و وابستگی‌های فرزندکنکوری دارند و مادر نمونه هستند که برای مشایعت یک فرزند، تمام خانواده را تحت شعاع قرار داده‌اند؟ آرام کردن فرزند و اطمینان دادن به او که معنای زندگی در تحصیل فلان رشته خلاصه نشده‌است یا افزایش فشارهای روانی که تمام هستی تو به نتیجه این آزمون بستگی دارد؟ روی نقش زنان در خانواده تأکید دارم زیرا اعم از اینکه فرزندان خانواده پسر باشند یا دختر، جایگاه ویژه مادری در عواطف انسانی و البته انتظارات اجتماعی از نقش زن در طی قرن‌ها، زنان را به مهره‌های سرنوشت‌ساز و پرورندگان پر نفوذ در خانواده و جامعه تبدیل کرده است. زنانی که فرزندان خود را به طور عقلانی پرورش می‌دهند و معنا سازی را در کانون خانواده ترویج می‌کنند همان هویت‌سازان با تأثیر مثبت در جامعه هستند. شما خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نقش زنان در کاستن یا افزودن به فشارهای روانی و اجتماعی دوران بلوغ فرزندان‌شان که مصادف با دوره آماده‌سازی برای کنکور است چه بوده‌است؟ از این مشاوره به آن مشاوره رفتن؟ ابراز نگرانی مقابل خانواده و فامیل فرزندکنکوری دارند و مادر نمونه سال هستند که برای مشایعت یک فرزند، تمام خانواده را تحت شعاع قرار داده‌اند؟



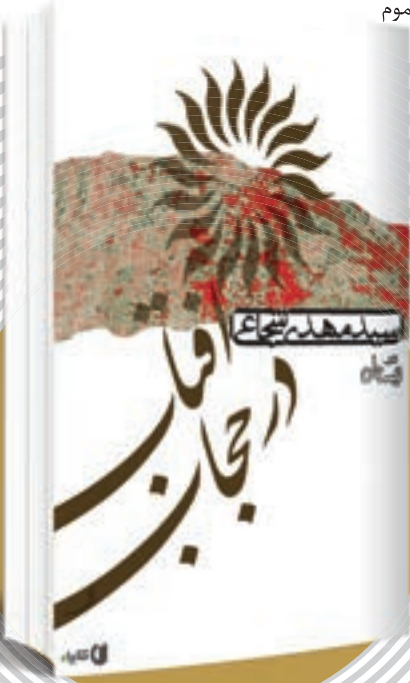
آخرین رمق‌هایش مهربانانه فریاد می‌زند: آیا کسی هست که از حریم رسول خدا دفاع کند؟ آیا هیچ خداپرستی هست که به خاطر او فریاد مرا بشنود و به امید رحمتش به یاری ما برخیزد؟ آیا کسی هست؟

(۴)



شهربانو

۲۰ شنبه
۳ شهریور ۱۳۹۹
۴ محرم ۱۴۴۲ شماره ۲۱۸۵



آفتاب در حجاب
• نویسنده: سید مهدی شجاعی

ماه محرم و مویه‌های زنانه در گزارش‌های تاریخی



غلامرضا آذری خاکستر
نویسنده و محقق تاریخ



در میان سفرنامه‌ها اطلاعات پراکنده‌ای از نحوه مشارکت زنان در مراسم مذهبی ماه محرم آمده است. اصولاً این عزاداری‌ها در قالب برگزاری مراسم عزاداری یا روضه‌خوانی بوده است. دلاواله، جهانگرد ایتالیایی (۱۵۸۶-۱۶۵۲ میلادی)، در ژانویه ۱۶۱۷ میلادی/۱۰۲۵ قمری به ایران مسافرت کرده و درباره مراسم عزاداری در زمان صفویه و حضور زنان در آن به اختصار مطالبی نوشته است: منبر مشرف به همه زنان و مردانی است که بعضی روی زمین و بعضی روی چهارپایه‌های کوتاه نشسته‌اند. روضه‌خوانی با شدت هرچه تمام‌تر ادامه دارد و مستمعان با صدای بلند گریه و زاری می‌کنند. با نهایت حزن و اندوه و همه با هم آخرین بند مرثیه‌ای را که خوانده می‌شود تکرار می‌کنند. فعال‌ترین بعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار، شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود. مؤلف کتاب «شرح زندگانی من» به مراسم عزاداری در تهران پرداخته و گاهی به مشارکت زنان در این مراسم‌ها گریزی داشته است. او با اشاره به حضور زن‌ها در مراسم عزاداری حسینی نوشته است: اتاق شمال حیاط کوچک و ایوان رو به حیاط بزرگ که پرده زنبوری جلوان کشیده بودند، به مناسبت دری که از ایوان به سمت اندرون داشت، مخصوص خانم‌های خانواده و دوستان مادرم بود. ... هرجا تعزیه‌ای برپا می‌شد، جمعیت زیادی به‌خصوص زن‌ها در آن حاضر می‌شدند.

از گزارش‌های تاریخی استنباط می‌شود مجالس زنانه روضه‌خوانی در دوره قاجار امری رایج بوده و زنان در عزاداری‌ها و تماشای تعزیه نقش فعالی داشته‌اند. مادام کارلاسرنا، سیاح ایتالیایی که در دربار ناصرالدین شاه نیز حضور داشت، درباره آیین‌های عزاداری در دوره قاجا و ورود زنان به این‌گونه مراسم نوشته است: زنان با چادرهای مشکی و سومه‌های همه در کنار هم، چه فقیر چه غنی، نشسته‌اند و برای اولاد علی^(ع) اشک می‌ریزند، و در ضمن مراسم، تعداد زیادی زن برای پذیرایی از مهمانان عزادار به آوردن قلیان و شربت و چای در رفت‌وآمدند. در این عزاداری‌ها حتی زنان شاه نیز در کنار سایر زنان به گریه و ناراحتی می‌پردازند.

در خاطرات مونس الدوله نیز از زنان روضه‌خوان یاد می‌شود که در دوره قاجار با حجاب در مجالس زنانه حضور داشتند. به‌خصوص زنان بزدی و کاشانی از مشهورترین روضه‌خوانان آن ایام بودند که صدایی خوش داشتند. معیار الممالک از رجال دوره قاجار در کتاب «یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه» از برگزاری مجالس و مراسم سوگواری توسط مهد علیا، مادر شاه، یاد می‌کند.

اما کلنل چارلز ادوارد بیت، سرکنسول انگلیس در مشهد، به توصیف نحوه عزاداری ماه محرم در مشهد دوره قاجار پرداخته ولی هیچ اشاره‌ای به مشارکت زنان در این مراسم نکرده است: در ماه محرم دسته‌جات زنجیرزنی در صفوف باریکی متشکل از ۲ یا ۳ ردیف که در هر کدام ۲۰ تا ۳۰ جوان زنجیر می‌زنند به راه افتادند. در پشت آن‌ها جمعیت زیادی از مردم به راه افتاده، نوحه می‌خواندند و سینه می‌زدند. آنان به نوحی هماهنگ دست خود را بلند کرده و محکم بر سینه می‌کوفتند. هر محله یا طایفه‌ای هیئت‌های عزاداری خاص خود را داشت.

شهرزاد

الهام یوسفی
نویسنده



تنها پیامبر زن، زینب!

نگاهی کوتاه به کتاب آفتاب در حجاب

برخی کتاب‌هایی‌زمان‌اند. روضه‌ای همواره‌اند که هر سال می‌شود به سراغشان رفت و دوباره آن را خواند به جای هر کتاب دیگری. «آفتاب در حجاب» از همان کتاب‌هاست که محرم‌ها از قفسه بیرون می‌آید و می‌شود این داستان انسانی از زندگی تنها پیامبر زن را بارها و بارها خواند و با آن گریست. «آفتاب در حجاب» اثری است از سید مهدی شجاعی، نویسنده‌ای که قلمش عموماً گرد اسوه‌ها و اسطوره‌های دینی می‌گردد و دست‌کم ۵ عنوان از آثار او به عاشوراییان اختصاص دارد. کتاب‌هایی مانند «پدر، عشق و پسر»، «سقای آب و ادب»، «مردان و رجزهایشان» و «از دیار حبیب» که هرکدام، هم زخمه‌ای از تاریخ است هم عصاره احساس و عواطف انسانی به شخصیت‌هایی که زندگی‌شان یک تاریخ را ساخته است.

«آفتاب در حجاب» روایتی است خواندنی و تأثیرگذار از پیام‌آور عاشورا، حضرت زینب^(س)، که به قلم شجاعی آمده است. اگرچه کتاب در هر فصل و هر صفحه گریزی دارد به صحرای کربلا، ویژگی آن در این است که تا حدی حجاب از آفتاب این زن بزرگ که پیام‌آور حادثه کربلا بود

برمی‌کند تا بتوانیم بهتر فهم کنیم صبری را که زینب^(س) را این‌گونه اسطوره می‌کند و دریابیم که گویا زینب^(س) از همان روز اول قرار بود در نینوا زینبی کند و ما را در هر عصر و زمانه‌ای که باشیم، دعوت به صبر و خروش! تا بفهمیم او هم باید صبر دیدن این همه مصیبت داشته باشد و هم توان بیان آنچه دیده است. این کتاب چون عموم کتاب‌های شجاعی که در این قالب قرار می‌گیرند، رفت‌وبرگشت‌هایی دراماتیک و نمایشی دارد و ما را از ادبیاتی دل‌چسب بهره‌مند می‌سازد.

«عجب سسکوتی بر عرصه کربلا سایه افکنده است! چه طوفان دیگری در راه است که آرامشی این چنین را به مقدمه می‌طلبد؟ سکون میان ۲ زلزله! آرامش میان ۲ طوفان! یک سو جنازه است و خاک‌های خون‌آلود و سوی دیگر تا چشم کار می‌کند اسب و سوار و سپر و خود و زره و شمشیر، و این همه برای یک تن، امام که هنوز چشم به هدایت‌شان دارد. قامت بلندش را می‌بینی که پشت به خیمه‌ها و رو به دشمن ایستاده است، ۲ دستش را بر قبضه شمشیر تکیه زده و شمشیر را عمود قامت خمیده‌اش کرده است و با

اولین مرکز توانمندسازی و جامعه‌پذیری بانوان آسیب‌دیده



هدف از تأسیس این مرکز، حمایت از بانوان برای خودکفایی و بازگشت آنان به زندگی عادی است و آموزش دیدگان در این محل، پس از کسب مهارت‌های خوداشتغالی، با دریافت تسهیلات اشتغال وارد بازار کار خواهند شد. این مرکز در روستای رادکان شهرستان چناران راه‌اندازی شد.